



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir

مستنداتی اور شہادتیں



WWW.SIP.PK

ماہ ولادت کے



• ویژه ایام محرم الحرام •

WWW.SIP.PK

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ماه دلدادگي : ويژه ايام محرم الحرام

نويسنده:

فاطمه شيردل

ناشر چاپي:

معاونت فرهنگي آستان قدس رضوي

ناشر ديجيتالي:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	ماه دلدادگی : ویژه ایام محرم الحرام
۶	مشخصات کتاب
۶	اشاره
۸	فهرست
۹	محرم ؛ خوان معرفت
۱۱	دو الگوی معرفت
۱۱	زینب(علیها السلام)؛ عارف به حق امام
۱۴	عباس(علیه السلام)؛ نمونه اطاعت و وفا
۱۹	ادب عباس(علیه السلام)
۲۰	کربلا؛ کانون ادب
۲۲	حقیقت کربلا
۲۴	و اما تاریخ...
۲۹	من حسینم!
۳۵	صراط؛ حرکت در مسیر امامت
۳۸	محرم؛ فرصت حرکت براساس الگو
۳۹	محرم؛ فرصت بصیرت افزایی
۳۹	امام حسین(علیه السلام) و مهدی موعود(عجل الله تعالی فرجه الشریف)
۴۴	عاشورا در نگاه بزرگان
۴۵	امام خمینی:
۴۶	حرف آخر
۴۹	سؤال ها
۵۴	درباره مرکز

سرشناسه: شیردل، فاطمه، 1363 -

عنوان و نام پدیدآور: ماه دلدادگی : ویژه ایام محرم الحرام/ فاطمه شیردل؛ تهیه و تدوین معاونت تبلیغات آستان قدس رضوی.

مشخصات نشر: مشهد: انتشارات قدس رضوی، 1394.

مشخصات ظاهری: 48 ص

شابک: 7-214-299-600-978

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

موضوع: واقعه کربلا، 61ق.

موضوع: واقعه کربلا، 61ق -- مطالب گونه گون

شناسه افزوده: آستان قدس رضوی. معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی

رده بندی کنگره: BP41/5/ش 975 م 1394

رده بندی دیویی: 297/9534

شماره کتابشناسی ملی: 4002041

ص: 1

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: 2

فهرست

۴	محرم؛ خوان معرفت
۶	دو الگوی معرفت
۹	عباس <small>علیه السلام</small> ؛ نمونه اطاعت و وفا
۱۴	ادب عباس <small>علیه السلام</small>
۱۵	کربلا؛ کانون ادب
۱۷	حقیقت کربلا
۱۹	و اما تاریخ
۲۴	من حسینم!
۳۰	صراط؛ حرکت در مسیر امامت
۳۳	محرم؛ فرصت حرکت براساس الگو
۳۴	محرم؛ فرصت بصیرت افزایی
۳۴	امام حسین <small>علیه السلام</small> و مهدی موعود <small>عجل الله فرجه</small>
۳۹	عاشورا در نگاه بزرگان
۴۱	حرف آخر
۴۲	مسابقه فرهنگی

محرم آمد؛ با همهٔ حزنش، با همان غوغای پُر از ماتمش. دوباره خوان اشك و نوحه و غم گسترده شده است و من آمده ام تا کنار این سفره با اشك دیده، دلم را صفا دهم و به پاس این توفیق، چشم دل راشست و شوداده و ذهنم را به سمت حقیقت بکشانم؛ شاید بتوانم به معرفت اندکی دست یابم.

سؤال پشتِ سؤال، ذهنم را می کاود تا بیابد حقیقت را:

چطور تاریخ با عاشورای حسینی زنده ماند؟

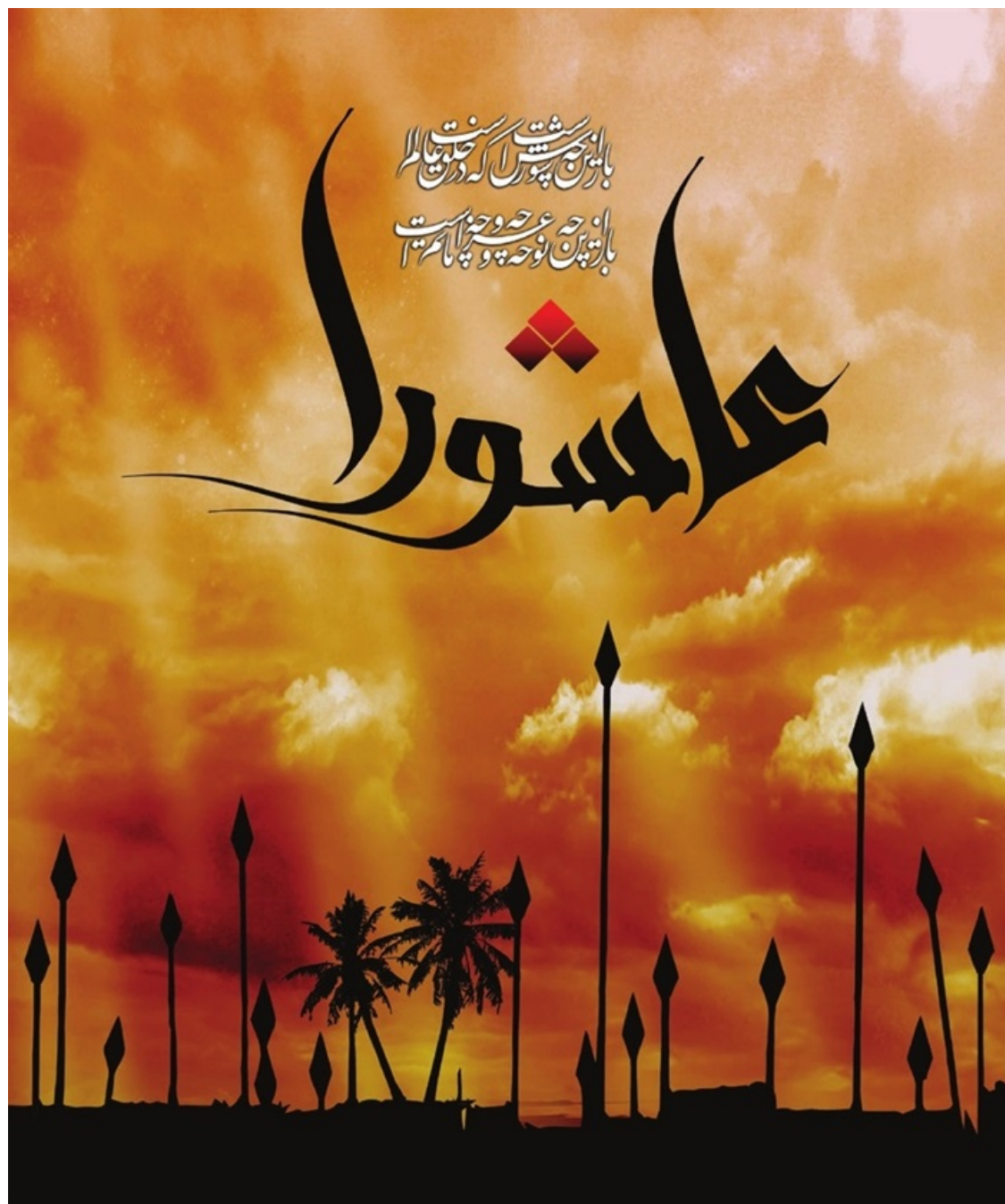
چگونه امام سجاد(علیه السلام) احیاگر تشیع شد؟

چه شد که زینب(علیها السلام) فریادگر تاریخ شد و عباس(علیه السلام) به مقامی رسید که تا ابد شهدا بدان غبطه می خورند؟

این ها تنها بخشی از سؤالاتی است که در ذهنم جولان می دهند؛ ولی مهم ترین سؤال این است: عباس(علیهما السلام) کم نظیر بود و زینب فاطمه(علیهما السلام) بی نظیر. دیگر شهدای کربلا هم تا ابد یگانه اند؛ اما سوای از شجاعت و جوانمردی عباس و جدای از حلم و علم زینبی و فارغ از صفات نیکوی یاران سیدالشهدا(علیه السلام)، کدام خصیصه در این افراد باعث شد که در عاشورا، عاشورایی شوند؟ بی شك در میان خصیصه های شخصیتی هرکدام از شهدای والامقام کربلا و خاندان امام حسین(علیه السلام)، يك خصیصه مشترك و مهم، بیش از سایر ویژگی ها نقش آفرین بوده است. این خصیصه

محوری، چیزی نیست جز شناخت و معرفت این بزرگواران از امام خویش و اطاعت از امر ایشان. گرچه این ویژگی در تمام شهدای کربلا و حتی بازماندگان کاروانشان به وضوح خودنمایی می کند؛ اما در این مختصر، آن را در دو عنصر مهم و سرنوشت ساز حادثه کربلا بررسی می کنیم.

تصویر



ص: 5

زینب(علیها السلام)؛ عارف به حق امام

زینب، دختر فاطمه و علی است. او الگو و اسوه زن کامل است. وقتی سخن از زن به میان می آید و از روح لطیف و احساساتش می گویند، هر چه باید در یک زن باشد، بی شک در این بانو در کامل ترین شکلی ظهور دارد. چه شد که دختر والامقام علی(علیه السلام) و فاطمه(علیها السلام)، بار این مصیبت عظیم عاشورا را به دوش کشید و جان از بدنش به پرواز در نیامد؟ چه شد که صدایش نلرزید و فریادگر تاریخ شد؟ چه شد که خطبه هایش احیاگر اسلام شد؟ پاسخ تمام این چه شدها، فقط یک امر است؛ زینب(علیها السلام) حسین(علیه السلام) را می شناخت. او امامش را شناخت و همراهی کرد؛ تا آنجاکه وقتی امام حسین(علیه السلام) فرمود: «خواهرم! مبادا شیطان صبر و شکیبایی تو را از دستت برباید! آرام باش خواهرم، تقوای الهی و صبر و پایداری برای خدا را فراموش نکن؛ بدان که اهل زمین خواهند مرد و اهل آسمان نیز باقی خواهند ماند و...»⁽¹⁾ چشمانش خیس شد؛ اما باز هم به نشانه اطاعت امر امامش، پلک برهم زد.

این فقط عشق خواهری به برادرش نبود؛ بی شک اطاعت از امام زمانی بود که زینب(علیها السلام) به خوبی او را در جایگاه امامتش می شناخت، نه فقط در مقام برادری بزرگ تر. این چنین شد که

ص: 6

1- . محمد محمدیان، گزارشی مستند از کربلا، ص 54، چ 3، تهران: امیرکبیر، 1391.

زینب(علیها السلام)، در دانه فاطمه و علی(علیهما السلام)، پس از شهادت برادر و امامش در غروب ظلمانی عاشورا، جهادی بزرگ را آغاز کرد و استوار و محکم ایستاد و فرمانده انقلاب تاریخی عاشورا شد. عقیله بنی هاشم در مجلسی که یزید(لعنت الله علیه) ترتیب داده بود، با بیانی زیبا، زیبایی ماندگاری آفرید و فرمود: «من در کربلا، چیزی جز زیبایی ندیدم.» چنین پاسخی از زبان زنی در دکشیده که شاهد شهادت هجده تن از نزدیکان خود بوده و پس از آن نیز در طول سفری مهنت بار، رنج مراقبت از بچه های پدر از دست داده را تحمل کرده و طعنه ها شنیده و... تنها از روحی بلند و قلبی الهی برمی آید که پیوندی عمیق با ملکوت داشته باشد!

زینب با اطاعت از امام و برادرش مبنی بر صبر در مصیبت، از واقعه عاشورا شاهکاری زیبا آفرید و با همان شاهکار توانست کربلایی را که ممکن بود در محدودیت زمان و مکان نابود شود، در تاریخ ثبت و ماندگار کند.

تصویر



ص: 7



عباس (عليه السلام)؛ نمونه اطاعت و وفا

عباس (عليه السلام) بالاخره به آب رسید؛ اما آب را شرمنده کرد! او به فرمان امامش براي آوردن آب، رفته بود تا رنج تشنگی را از اهل خيام بزدايد. به شطّ فرات که رسید، آب آينه رخسار مبارکش شد. نگاهشان به هم گره خورد. پس چرا معطل است؟! به چه مي انديشد؟! به لبان خشکیده حسين (عليه السلام) يا به التماس طفلان حسين (عليه السلام) در طلب آب از او؟! زمان ايستاد... بي معطلی شروع به پُر کردن مشك آب کرد، تبسمي بر لبان خشکیده اش نشست؛ شايد در ذهنش خوشحالي طفلان تشنه را تصور کرده بود که سيراب شده اند!

مشتي آب برداشت و به سمت صورتش نزديك كرد. چه شد؟ چرا ننوشيد؟! چه شد؟ سقا چه كرد؟ حسين و طفلانش تشنه بودند... انگشتانش از هم باز شدند و آب سرازير شد؛ عباس (عليه السلام) آب را شرمندگي كرد! آب از اين شرمندگي به لرزه افتاد؛ مثل قلم كه مي لرزد و مي نويسد....

جان مشك را عزيز مي پنداشت، چنان در آغوش كشيده بودش كه تو گويي طفلي است! نه او را از طفل عزيز تر مي داشت. نبايد نوك نيزه و مماس شمشير بر آن مي رسيد؛ اما نشد: تير به مشك رسيد، ديگر تايي نماند، نايي نماند، اميد عباس به آبي بود كه براي كودكان مي بُرد؛ اما، آبي نماند! حاضر بود جانش برود؛ اما آب بماند! انگار مي شنيد صداي كودكان تشنه را! شنیده ام همه شهداي كربلا در لحظه شهادتشان از دست مبارك پيامبر خوبي ها، با آب كوثر سيراب شده اند و با همراهي فوج فوج ملائكه، راهي بهشت! با خود مي انديشم، عباس با اين درجه از اطاعت و وفا، چگونه آن گوارا آب را نوشيده است! مگر عباس سيراب مي شود تا حسين نيابد! آخر بهشت عباس هنوز در زمين است؛ حسين نيامده است! حسين كه بيابد، عباس سيراب مي شود. عباس تنها با حسين بهشتي مي شود؛ چرا كه هر جا امامش باشد، بهشت او همان جاست. عباس (عليه السلام)، سقاي تشنه لب، در بهشت و هميشه سيراب است؛ اما با حسين (عليه السلام)!

عباس بن علي (عليهما السلام)، شجاع و وفادار و کم نظیر بود؛ اما نمود شخصیت و مقام والای ایشان نیز همان اطاعت از امام زمان است. ادب ابوالفضل العباس (علیه السلام) در برابر امام حسین (علیه السلام) نیز حاکی از درک بالایی این عزیز، از جایگاه امامت و چگونگی اطاعت از امام است. در راه معرفت به شخصیت حضرت عباس (علیه السلام)، نویسندگان بسیاری قلم فرسایی کرده اند؛ اما به راستی که سیدمهدی شجاعی نزدیک تر از همه، به ملکوت رفته تا بلندای مقام و ادب و معرفت آن بزرگوار را به صفحه ماندگار ادبیات پیوند دهد: (1)

آیا در طول تاریخ بشریت، جز دست های عباس بن علی از دست های کسی دیگر، حتی یک نفر، می توان سراغ گرفت که با لب های چهار امام معصوم و بوسه تأیید و تمجیدشان متبرک شده باشد؟ در این دست های نشان دار و آن بوسه های انحصاری و بی تکرار، چه اسراری نهفته است و چه پیام هایی آشکار؟

این کلام زینت عابدان، حضرت سجاد (علیه السلام) است که: «وَإِنَّ لِلْعَبَّاسِ عِنْدَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى مَنزِلَةً يَغْبِطُهَا بِهَا جَمِيعُ الشُّهَدَاءِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (2)

برای عباس نزد خداوند متعال، مقام و منزلتی است که تمامی شهیدان در قیامت به آن غبطه می خوردند.»

حضرت امام جعفر صادق که درود و تحیت خداوند بر او، به دو کلید قفل افکن، یعنی بصیرت نافذ و

ص: 11

1- . نک: سیدمهدی شجاعی، سقاي آب و ادب، چ3، تهران: کتاب نیستان، 1389، ص 196 تا 209.

2- . أمالي الصدوق، ترجمه کمره ای، ص 463، مجلس هفتم.

ایمان محکم اشاره می کند تا هم خلائق بدانند که چرا باید قدر عباس را بدانند و هم حقیقت جویان و کمال طلبان بفهمند که چه چیزهایی را باید ببینند: «کان عمّنا العباس بن علیّ نافذ البصيرة صلب الايمان جاهد مع أخيه الحسين [مع ابي عبدالله] و ابلي بلاء حسنا و مضي شهيدا؛(1)»

عمویمان عباس، فرزند علی، از بصیرتی نافذ و نگاهی آگاه برخوردار بود. ایمانی محکم و استوار داشت، در رکاب ابي عبدالله جنگید و در امتحان، خوش درخشید و به شهادت رسید.»

هرکه کمترین بویی از بصیرت برده باشد، اگر نه به حقیقت، لااقل به این سؤال سرشار از حلاوت می رسد که عباس ام البنین به کجا رسیده است و خدا چه جایگاهی به این ستون خیمه زمین بخشیده است که امام معصوم(علیه السلام)، با تعابیری چنین بی نظیر او را ستوده است؟!

این عباس، کسی است که حضرت امام جعفر صادق(علیه السلام)، فرزند امیرالمؤمنین(علیه السلام)، به زیارت آستان او شتافته و خطاب به او تعابیری از این دست گفته است: «سلام بر تو ای عبد صالح و بنده ارجمند خدا؛ ای مطیع محض خدا و فرمان بر

ص: 12

1- حسن بن یوسف بن مطهر اسدی حلی (علامه حلیؒ)، منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، ج 1، ج 6، مشهد: مجمع البحوث الاسلامیة، 1412 ق ص 366، پانوش 6؛ علی کرمی، در سوگ امیر آزادی (گویاترین تاریخ کربلا-)، ج 1، قم: نشر حاذق، 1380 ش، ص 254 و 255، به نقل از: ابصار العین، ص 30.

رسول خدا و امیر مؤمنان و حسن و حسین (علیهم السلام)، سلام بر تو و رحمت خدا بر تو و برکات او و مغفرت او و بهشت جاودان او نثار روح و جسم تو. شهادت می دهم که تو لحظه ای سستی نکردی و کوتاه نیامدی و کم نیاوردی و پیوسته در مسیر بصیرت، گام زدی و از شایستگیان پیروی کردی و پا جای پای پیامبران گذاشتی.»

برای درک مقام عباس (علیه السلام)، امام حسین (علیه السلام) را باید شناخت. اگر کسی رابطه متقابل خدا و امام حسین (علیه السلام) را نفهمد، سر از رابطه متقابل امام حسین (علیه السلام) و عباس (علیه السلام) در نمی آورد و اگر کسی دغدغه درک خصایص حسینی و دلایل تقریبش به آستان الوهی را نداشته باشد، از اسرار و دلایل برگزیده شدن عباس توسط امام حسین (علیه السلام)، هیچ رایحه ای به مشامش نمی رسد. (1)

تصویر

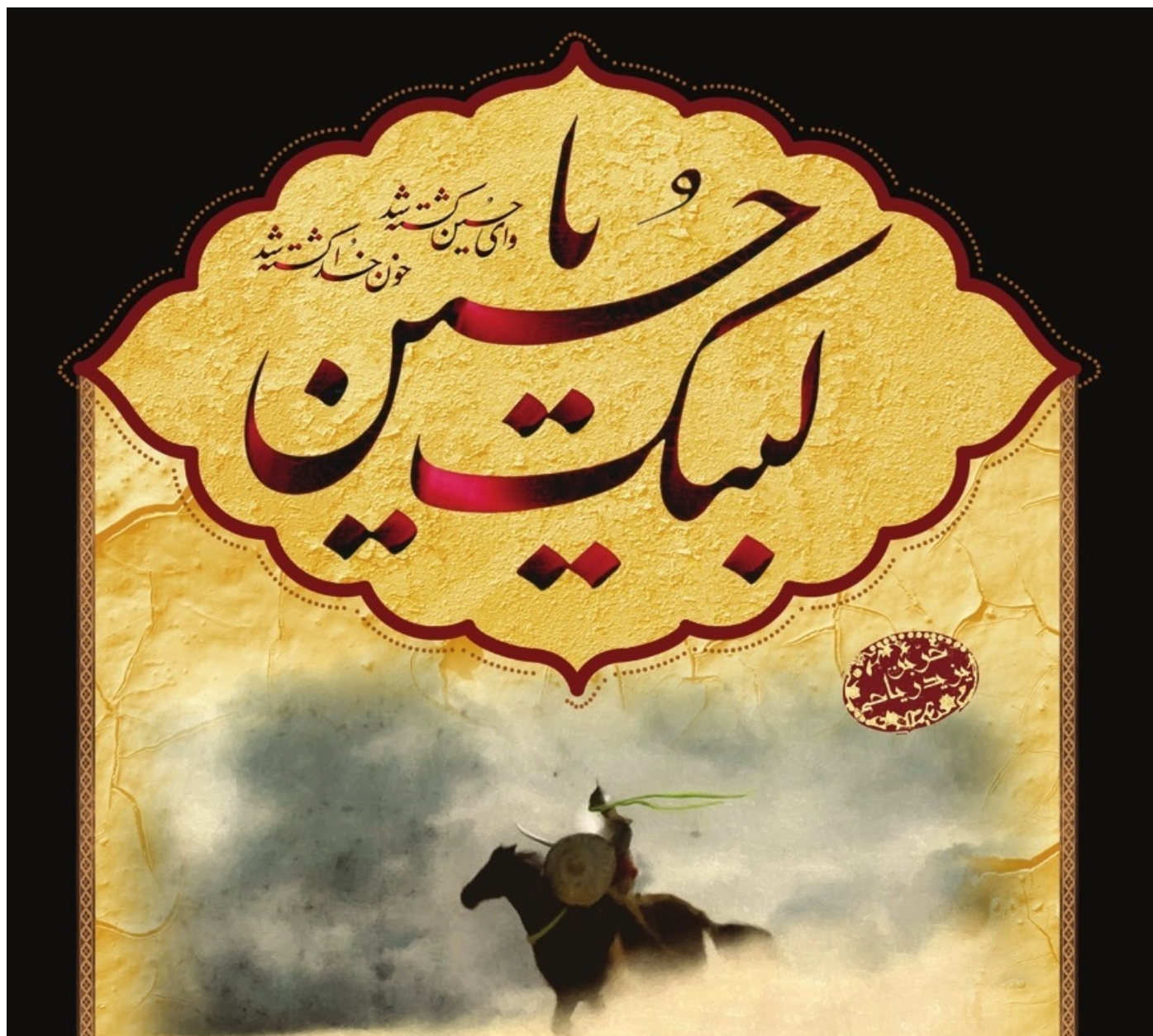


ص: 13

عباس، مرید مرادش حسین است. عمری است که کنار مولایش بدون اذن نشسته است! ادبش تاکنون اجازه آن را نداده که منتظر او امر و نواهی مولایش حسین نمازد. در تمامی عمرش حتی متصور این هم نشده است که مولایش را برادر خطاب کند. حسین بالاتر از همه چیزهایی است که عباس عظمتش را درک کرده است. همیشه خطابش به مولا و سرورش، «یا ابا عبد الله» و «یا بن رسول الله» و «یا سیدی» است. اما همین عباس، در روز موعود که مولایش حسین بشارتش را داده بود، لحظه ای که عمود آهنین بر فرق مبارکش نشست، بر اثر ضربت، از اسب به زمین نه، به دامان فاطمه (علیها السلام) افتاد! وقتی ملکوت فاطمه (علیها السلام) با آن همه عظمتش به استقبال عباس آمد؛ عباس نیز لفظ «برادر، برادرت را دریاب» را بر زبان راند تا حسین بیاید و عباس این همه عظمت را در کنار او طاقب بیاورد. آخر عباس یک عمر آرزوی این بود که فاطمه (علیها السلام) او را «پسر عباس» صدا کند.

تصویر





کربلا؛ کانون ادب

حکایت زیستن و شهادت امام حسین (علیه السلام) و نیز گفتار و کردارش، نمونه ای از یک بزرگ مرد تاریخ را برای ما مجسم می سازد؛ او با همه وجود، آینه تمام نمای فضیلت ها، بزرگ منشی ها، فداکاری ها، جانبازی ها، خداخواهی ها و خداجویی هاست. همه یاران امام حسین (علیه السلام) نیز صفات برجسته ای داشتند، ولی بعضی از این صفات مانند ادب، در برخی از آنان از جمله حر، تجلی و نمود بیشتر و کامل تری دارد.

حر نماد انسانی است که در آستانه جهنم قرار می گیرد، اما بهشت را

برمی‌گزینند! حربن یزید ریاحی همان کسی است که به دستور ابن زیاد با هزار سوار، راه را بر امام حسین (علیه السلام) بست؛ اما صبح عاشورا به سپاه امام حسین (علیه السلام) پیوست و به شهادت رسید! با مطالعه کتاب های مقاتل می توان گفت: بازگشت حر نتیجه ادبش در برابر امام حسین (علیه السلام) بوده است. او در اولین برخورد با آنحضرت (علیه السلام) در مسیر عراق، حاضر نشد با سپاه خود نماز بخواند و به امام حسین (علیه السلام) اقتدا کرد. در دومین برخوردش با امام (علیه السلام) که حضرت می خواست با همراهانش به مدینه بازگردد و حر مانع شد، آنجا که امام حسین (علیه السلام) فرمودند: «ثَكِلَتْكَ أُمَّكَ مَا تُرِيدُ؛ مادرت به عزایت بنشیند، می خواهی چه کنی؟» وی در جواب گفت: «أَمَّا لَوْ غَيْرَكَ مِنَ الْعَرَبِ يَقُولُهَا لِي وَهُوَ عَلَيَّ مِثْلَ الْحَالِ الَّتِي أَنْتَ عَلَيْهَا مَا تَرَكْتُ ذِكْرَ أُمَّهِ بِالثُّكْلِ وَ لَكِنَّ وَاللَّهِ مَا لِي إِلَّا ذِكْرُ أُمَّكَ مِنْ سَبِيلٍ إِلَّا بِأَحْسَنِ مَا يُقَدَّرُ عَلَيْهِ؛ (1) اگر عرب دیگری غیر از تو در چنین حالی که تو در آن هستی، این سخن را به من می گفت، من هم نام مادرش را به عزاکرفتن می بردم، اما به خدا قسم، به یادکردن مادرت راهی ندارم، جز به نیکوترین شکل ممکن.» می توان این گونه نتیجه بگیریم که حیا و ادب این دو صفت

ص: 16

1- . شیخ مفید، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج 2، چ 1، قم: کنگره شیخ مفید، 1413ق، ص 80؛ شیخ طبرسی، إعلام الوری بأعلام الهدی، چ 3، تهران: اسلامیه، 1390ق، ص 232، با اندکی تفاوت در واژه ها.

بارز انسانیت، اگر در قلب هر مسلمانی باشد، باعث نجاتش خواهد بود، همان گونه که سبب شد به فرموده امام حسین (علیه السلام) حر به حریت برسد.

حقیقت کربلا

کربلا واگویه های تاریک تاریخ است. نباید گفت که تاریخ تکرار مکررات است، چقدر بخوانیم، بس است دیگر! تاریخ تکرارشدنی است؛ باید تاریخ را بارها و بارها ورق بزنیم و بخوانیم. شمر که از ابتدای امر شمر نبود؛ شمر، شمر شد!

نطفه واقعه عظیم عاشورا از سال ها قبل، از زمان سقیفه بسته شد. بی گمان می توان گفت که حادثه هجوم به خانه علی علیه السلام و برخوردشان با دختر گرامی پیامبر (صلی الله علیه و آله)، حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام)، عاشورایی بود که اگر عظمتش بیشتر از واقعه کربلا نباشد، کمتر از آن هم نیست. باید بدانیم این وقایع همچون دانه های تسبیح، به هم ربط دارند. باید تاریخ را دوباره و چندباره خواند و دانست که فریاد امام حسین (علیه السلام) برای هدایت آدمیان، هم اکنون نیز به گوش می رسد. واقعه کربلا محصور در زمان و مکان خاص نیست که اگر می بود، جمله راهگشای «کُلُّ ارض کربلا و کُلُّ یوم عاشورا»⁽¹⁾

نیز بی معنا بود.

در واکاوی چرایی های عاشورا برای همه مردم در هر زمان و هر مکان جغرافیایی درس هایی وجود دارد که به یقین یکی از آن

ص: 17

1- . هرزمینی کربلا و هر روزی عاشوراست.

آموزه های مهم، تلاش برای تحقق هدف امامت است و آن هدف، چیزی نیست جز هدایت بشریت؛ هرچند به شهادت یا اسارت منجر شود!

زندگی سراسر نور امامان معصوم(علیهم السلام)، نشانه بارز تلاش در راه معرفت افزایی و هدایت انسان هاست. این عزیزان هر یک تا سرحد توان بر این مهم همت گمارده اند و در این راه از هیچ کوششی دریغ نکرده اند؛ مرور تاریخ، گواه روشنی است بر این مدعا.

تصویر



دوره بعد از شهادت امام حسن (علیه السلام) تا عاشورا، ده سال است. مردم آن عصر، متشکل از صحابه و تابعین بودند و هنوز صدای پیامبر (صلی الله علیه و آله) و علی (علیه السلام) را که برای هدایت امت اسلامی بارها و بارها خطبه می خواندند، در گوش و دل، زنده داشتند. در این ده سال، سیدالشهداء (علیه السلام) مانند امامان پیشین خود (علیهم السلام) می کوشند تا جایگاه امامت را که توسط پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در خطبه عظیم غدیر تبیین شده بود، تثبیت کرده و خلائق را به معرفت حق امام آگاه کنند.

از آنجاکه کلام معصوم (علیه السلام) از سرچشمه وحی یعنی خداوند متعال نشئت گرفته است و سخن امام معصوم (علیه السلام) یعنی سخن خداوند، شناختی که از سخنان معصومان (علیهم السلام) به دست می آوریم، در صورت تبیین درست، راه خطا را بر ما می بندد. اگر حرکت ما بر اساس همین شناخت صحیح، یعنی شناختی که از سخن معصومان (علیهم السلام) به دست آورده ایم، آغاز شود، حرکت در صراط مستقیم است و می توان گفت که دیگر در تصدیق این راه، شبهه ای باقی نمی ماند؛ چون اگر به بصیرت برسیم، تا مادامی که پشت سر امام خود قدم بزنیم، نه انحرافی هست و نه در جواب شبهات در می مانیم.

برای اینکه اهمیت این موضوع، یعنی ضرورت معرفت به امام زمان و ارتباطش با نصّ سخن امام معصوم (علیه السلام) روشن شود، از سخنان

استاد رحيم پور ازغدي استفاده مي كنيم. ايشان در سخنرانی خود درباره عاشورا، سؤالي مطرح کرده و با استفاده از خطبه امام حسين (عليه السلام) به آن پاسخ داده اند:

حُب واقعاً اصحاب پیامبر (صلی الله عليه و آله) چه کردند و در دوراني که معاويه، يزيد را براي خلافت معرفي مي کرد، کجا بودند؟ من اشاره مي کنم به سخنراني مهم سيدالشهدا (عليه السلام) در منا که در مراسم حج در اواخر دوران معاويه ايراد کردند؛ زماني که تازه پيچ خلافت يزيد شده و هنوز کاملاً علني نشده بود. سيدالشهدا (عليه السلام) در حج به يارانشان مي فرمايند که: «برويد و همه کساني را که مي شناسيد، از بزرگان، مفسران قرآن، علما، اصحاب پیامبر (صلی الله عليه و آله)، آدم هاي نخبه، روشن فکران و هرکسي که جامعه به آن ها توجه دارد و الان در مراسم حج و در مکه است، همه را فرا بخوانيد. من سخنان مهمي با آنان دارم.» گروهی نزديک به نه صد نفر از بزرگاني را که به مراسم حج آمده بودند، جمع کردند. بيش از دويست تن از اصحاب درجه يك پیامبر (صلی الله عليه و آله) در آن جمع بودند و عده اي نيز از تابعين، همان نسل دوم و نسل سوم که پیامبر (صلی الله عليه و آله) را ندیده بودند، همه در منا جمع شدند. اين مستندترين پاسخ تاريخ براي اين سؤال است.

امام (عليه السلام) خطاب به بزرگان جهان اسلام مي فرمايند: «اين



طاغوت، با ما کرد آنچه دیدید و می دانید؛ اما من از شما سؤالی دارم. اگر درست می گویم، تصدیقم کنید و اگر خطا می گویم، علیه من موضع بگیرید و در هیچ صورت، بی تفاوت نباشید؛ له یا علیه حرفی بزنید و موضع بگیرید. به سخنانم گوش بسپارید، استدلالم را بشنوید و اگر ما را سزاوار این حق، [یعنی] حق حاکمیت و خلافت می دانید، بی طرف نمانید و بعد از مراسم حج، مردم شهرهایتان را به سوی ما بسیج کنید. من می ترسم که این زخم، کهنه بشود و می ترسم آن ارزش ها و حقایقی که به خاطرش آن همه در جنگ بدر و خندق و حنین و خیبر و صفین و جمل و نهروان شهید شدند و آن خون ها که ریخت و هزاران کودک یتیم شدند، کهنه و مندرس و از صحنه خارج بشود و آن معروف ها و ارزش ها از یادها بروند و منکرات و ضد ارزش ها [بر آن] غلبه کنند.»

ایشان(علیه السلام) سپس آیاتی از قرآن و احادیثی از پیامبر(صلی الله علیه و آله) در منزلت خود و اهل بیت(علیهم السلام) را برای مردم خواندند و جالب است که خودشان را به تفصیل معرفی کردند! امام حسین(علیه السلام) در حالی که نَسَبشان(علیه السلام) معلوم بود، اما برای یادآوری به اصحاب پیامبر و واداشتن آن ها به موضع گیری چنین کردند و فرمودند: «پنجاه شصت سال پیش را به یاد آورید که پیامبر(صلی الله علیه و آله) درباره من چه می گفت؟ می گفت: 'حُسَيْنٌ مِنِّي وَ اَنَا مِنْ حُسَيْنٍ.'»

در مرتبه بعد، به نسل جوان یعنی تابعین که صدها تن از آنان نیز در جلسه بودند، تفهیم کرد که دَعْوِي (ادعا) بر سر چیست؟ از مردم می پرسید که: «من کیستم؟ جد من کیست؟ مادر و پدر و برادرم چه کسانی بودند؟...» مگر همه نمی دانند که این ها چه کسانی هستند؟ چرا امام(علیه السلام) این ها را می پرسد؟ این ها را می پرسد تا جایگاه خود را روشن کند که من در چه جغرافیایی ایستاده ام و با شما سخن می گویم. (1)

ص: 22

1- . نک: حسین+؛ عقل سرخ (گفت وگو با حسن رحیم پور ازغدی)، ص 68 تا 69. چ 21، تهران: طرح فردا، 1388.



من حسینم!

من و شما هم حسین (علیه السلام) و نَسَب و خاندان ارجمندش را می شناسیم، اما بیاید باری دیگر این شناسنامه مطهر را مرور کنیم؛ پس بشنوید خطبه حسین بن علی (علیهما السلام) را به قلم استاد سید مهدی شجاعی:

من آمده ام برای زنده کردن مردم، نه کُشتنشان. من آمده ام به مردم حیات ببخشم، نه اینکه از حیات ساقطشان کنم. من آمده ام برای بهشتی کردن مردم، نه به جهنم گسیل کردنشان. من آمده ام که خلائق را از جهالت برهانم و به رستگاری برسانم، نه اینکه به زور نیزه و ضرب شمشیر، بر آنان حکومت کنم. اگر اراده خداوند درباره مردم، هدایت به زور و [با] کراهت بود، [اگر اراده الهی] هدایت به هر قیمت بود، تحقق آن برایش بسیار آسان و راحت بود.

آن طلب که در «هَلْ مِنْ نَاصِرٍ يَنْصُرُنِي» (1)

است، برای یاری

ص: 24

1- . آیا یاری دهنده ای هست که مرا یاری کند؟

من نیست! من مردم را به یاری خودشان فرا خوانده ام. من مردم را به یافتن خودشان، دعوت کرده ام. من، آن سرشت الهی مردم هستم که در دشت غفلتشان فراموش شده ام.

من، آن «فَطَرْتَ اللّٰه» هستم که «فَطَرَ النَّاسَ عَلَیْهَا» (1) و (2) من، آن خود حقیقی مردم هستم که مغفول و مهجور مانده ام.

من آمده ام که آن پیمان پیشین مردم را، آن پاسخ «اَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ» را به یادشان بیاورم.

ای مردم! ... رَاجِعُوا اَنْفُسَكُمْ وَعَايِبُوْهَا... (3)

به خود بازگردید! به خویشتن خود رجوع کنید و از فطرت و وجدانتان پرسید که آیا کشتن من رواست؟! آیا من سزاوارم به کشته شدن و خانواده و اهل بیتم سزاوارند به هتک حرمت؟!

آیا من، فرزند پیامبر شما نیستم؟! آیا من، فرزند وصی و پسرعموی پیامبرتان نیستم؟!

آیا پدر من، اولین ایمان آوردنده و تصدیق کننده پیامبر شما نیستم؟!

آیا پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) درباره من و برادرم نفرمود: «این دو فرزند،

ص: 25

1- . اشاره به روم، 30: من آن فطرت الهی هستم که مردم را بر آن آفریده است.

2- . محمدباقر کمره ای، اخلاق اسلامی (ترجمه جلد پانزدهم بحار الأنوار)، ج 1، تهران: مهر، بی تا، ص 32: «فطرت خدا آفرینش بر سرشت یکتاپرستی است و به قولی پذیرش حق و توان دریافت آن است.»

3- . نک: محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج 45، تهران: اسلامیه، بی تا، ص 6.

مگر این آیه را که می فرماید: (...قُلْ لَوْ كُنْتُمْ فِي بُيُوتِكُمْ لَبَرَزَ الَّذِينَ كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقَتْلُ إِلَى مَضَاجِعِهِمْ...)(1)

در قرآن نازل شده بر جدم ندیده اید؟!!

اگر من در جای خود بمانم، آزمون و امتحان این مردم چه می شود و حجت چگونه بر آنان تمام می شود؟! من و موقعیت و وضعیت من، آزمایش هستیم برای خلق، تا تکلیف و موضعشان را درقبال حقیقت روشن کنند....

بدانید که قدرت من برای کشتن و نابودکردن [دشمنان خدا]، بیش از [ملائک و جنیان] است؛ ولی سنت الهی این است که: (لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَن بَيْتَةٍ وَ يَحْيَىٰ مَنْ حَيَّ عَن بَيْتَةٍ). (2) من فرزند آن پدری هستم که حاضر نبود حکومت بر جهان های هفت گانه را بپذیرد، به این بها که پوست جویی را به ستم از دهان مورچه ای برگیرد [و فرمود: «به خدا سوگند، اگر هفت اقلیم جهان را به من بسپارند و مرا بر هرچه در زیر آسمان است، حاکم مطلق العنان کنند، منوط به اینکه پوست جویی را از دهان مورچه ای به ستم

ص: 26

1- . آل عمران، 154: «...بگو اگر در خانه های خود [هم] بودید، آن ها که کشته شدن برای آن ها مقرر شده بود، قطعاً به سوی آرامگاه

های خود بیرون می آمدند....»

2- . انفال، 42: «...تا آن ها که هلاک می شوند، از روی اتمام حجت باشد و آن ها که زنده اند [و هدایت می شوند]، از روی دلیل

روشن باشد....»

بستانم، نمی پذیرم.»

من برخاسته ام که امت جدم را به مسیر درست بازگردانم: «خَرَجْتُ لِطَلْبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِّي (صلی الله علیه و آله)»؛ (1)

اما اکنون باورهای مردم به دین جدم، سست شده و کاروان امتش از صراط مستقیم، منحرف شده است و من آمده ام که مردم را احیا کنم، نه آنکه بمیرانم.

من آمده ام که این کاروان به خواب رفته را بیدار کنم و به مسیر رستگاری و سعادت برگردانم: «أَلَا تَرَوْنَ أَنَّ الْحَقَّ لَا يُعْمَلُ بِهِ وَأَنَّ الْبَاطِلَ لَا يُنْهَى عَنْهُ...»؛ (2)

آیا نمی بینید که به حق عمل نشده و از باطل نهی نمی شود؟! ... آیا نمی بینید که فضایل اخلاقی در میان امت اسلام، مضمحل شده و جای خود را به رذایل بخشیده است؟!

درچنین شرایطی، اولین و ابتدایی ترین قدم، امر به معروف و نهی از منکر است؛ پس من از جا برمی خیزم تا اگر بتوانم، حکام فاسد و ستمگر را سر جایشان بنشانم. ابتدا آنان را به راه اصلاح و فلاح فرا می خوانم و از عقوبت اعمال شیطان مدار و هلاکت آثارشان می ترسانم: «أُرِيدُ أَنْ أَمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَسِيرَ بِسِيرَةِ جَدِّي وَأَبِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (علیه السلام)»؛ (3)

من تلاش می کنم که کاروان امت

ص: 27

1- . محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج 44، تهران: اسلامیه، بی تا، ص 329.

2- . الحیاة، ترجمه احمد آرام، ج 5، ص 259.

3- . محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج 44، تهران: اسلامیه، بی تا، ص 329 و 330.

جَدَم را به صراط مستقیم بازگردانم. تلاش می‌کنم که سنت امر به معروف و نهی از منکر را در میان امت جَدَم احیا کنم و تثبیت و ترویج کنم. تلاش می‌کنم که با بلندترین صدا در گوش تاریخ فریاد بزنم و این پیام را به گوش آیندگان، اعم از پیروان و غیرپیروان برسانم که: آنان که مرا امام خود می‌دانند و تبعیت از مرا فریضه می‌شمرند، در چنین شرایطی موظف‌اند، همانند من عمل کنند: «وَلَكُمْ فِيَّ أُسْوَةٌ».

اگر موفق شوند که آنان را از خلاف و انحراف و ظلم و اجحاف بازدارند که به تکلیف خود عمل کرده‌اند و خیر و سعادت هردو جهان را به کف آورده‌اند و اگر موفق نشدند، حق ندارند که تن به ذلت دهند و دست بیعت در دست ستمگران بگذارند: «لَا وَاللَّهِ لَا أُعْطِيكُمْ بِيَدِي إِعْطَاءَ الذَّلِيلِ وَلَا أَفْرُقُ فِرَارَ الْعَبِيدِ»؛⁽¹⁾

نه به خدا سوگند که نه حاضر دست بیعت و ذلت به دست شما بسپارم و نه چون بردگان از مقابلتان بگریزم.

آی مردم همه زمان‌ها و همه مکان‌ها! خون من را بر تارک تاریخ ببینید و سرمشق بگیرید. مگر «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ»⁽²⁾ را خداوند متعال به صراحت در قرآنش نفرمود؟! پا جای پای او بگذارید.

ص: 28

1- . شیخ طبرسی، إعلام الوری بأعلام الهدی، چ3، تهران: اسلامیة، 1390ق، ص242.

2- . احزاب، 21.

و مگر پیامبر (صلی الله علیه و آله) به صراحت نفرمود: «حَسَبِيٌّ مِنِّي وَ أَنَا مِنْ حَسَبِيٍّ؛ حسین از من است و من از حسینم»؟! اینک من باصراحت از شما می خواهم که مرا سرمشق و اسوه خود قرار دهید: «و لَكُمْ فِيَّ أُسْوَةٌ.»

از من پیروی کنید. از من یاد بگیرید. از من تبعیت کنید. در مقابل حکومتِ ستم خم نشوید و نشکنید! بمیرید؛ اما خفت بیعت با ستمگران را نپذیرید: «کسی مثل من با کسی مثل یزید بیعت نمی کند.» این خون من، بهای ماندگاری پیام و کلام و رفتارم.

ای مردم، حرف های مرا بشنوید و در گشتن من شتاب نکنید تا آنچه را که لازم است بدانید، به شما بگویم تا حقیقت برای شما آشکار و حجت بر شما تمام شود و آنچه می کنید، دانسته عمل کنید.

من به هرزبان که بتوانم، فریاد می زنم تا مردم را از این خواب خطرناک بیدار کنم، از این ظلمت مهلک برهانم و به مأمن فطرت بازشان گردانم. من قول داده ام که خودم را و هر آنچه عزیز می دارم و محبوب می شمرم، فِدیَه (هدیه) کنم تا بشریت به هدایت و نجات و رستگاری دست یابد. من قول داده ام که بشریت را در دنیا و آخرت دستگیری کنم. [\(1\)](#)

ص: 29

1- . نک: سیدمهدی شجاعی، سقاي آب و ادب، چ3، تهران: کتاب نیستان، 1389، ص133 تا 162.

شیعه راه تاریخی خود را با اعتقادی که به امامت گره خورده، آغاز کرده است. در این راه پُرفرازونشیب و در این گذر پُر از رنج تاریخ، کاخ های سلاطین ظلم بر اجساد شیعیان بنا شد تا امروز در این نسل، میراث امامت به ما برسد. افسوس که این میراث جاودان، برای ما شیعیان ناشناخته مانده است و هنوز ضرورتش را درک نکرده ایم! در این عصر نیز هنوز شناخت امام زمان برای ما جا نیفتاده است و انگار از واژه های مبهم زبان است! باید جایگاه امامت را بشناسیم و ضرورتش را لمس کنیم و براساس همان ضرورت، وجود امام زمانمان را احساس کنیم تا به عشقی از امام برسیم که ما را از این رکود فکری نجات دهد.

باید حرکتی سازنده آغاز کنیم و این سازندگی را در انتظارمان به وضوح نشان دهیم. باید در چگونگی انتظارمان بیندیشیم! انتظاری انتظار است که ما را حرکت دهد. در يك جا ایستادن، در همان جا ماندن است. ایستادن، آب را کد را می گداند و آب آنجایی که حرکت می کند، حیات و زندگی می بخشد و آنجایی که ساکن بماند، نه تنها می گندد، بلکه هر آن چیزی را هم که با او هم جواری داشته باشد، می میراند.

پس باید شناخت! این شناخت درست است که ما را به حرکت وا می دارد. کسی که راه را بشناسد و همیشه پشت سر امامش

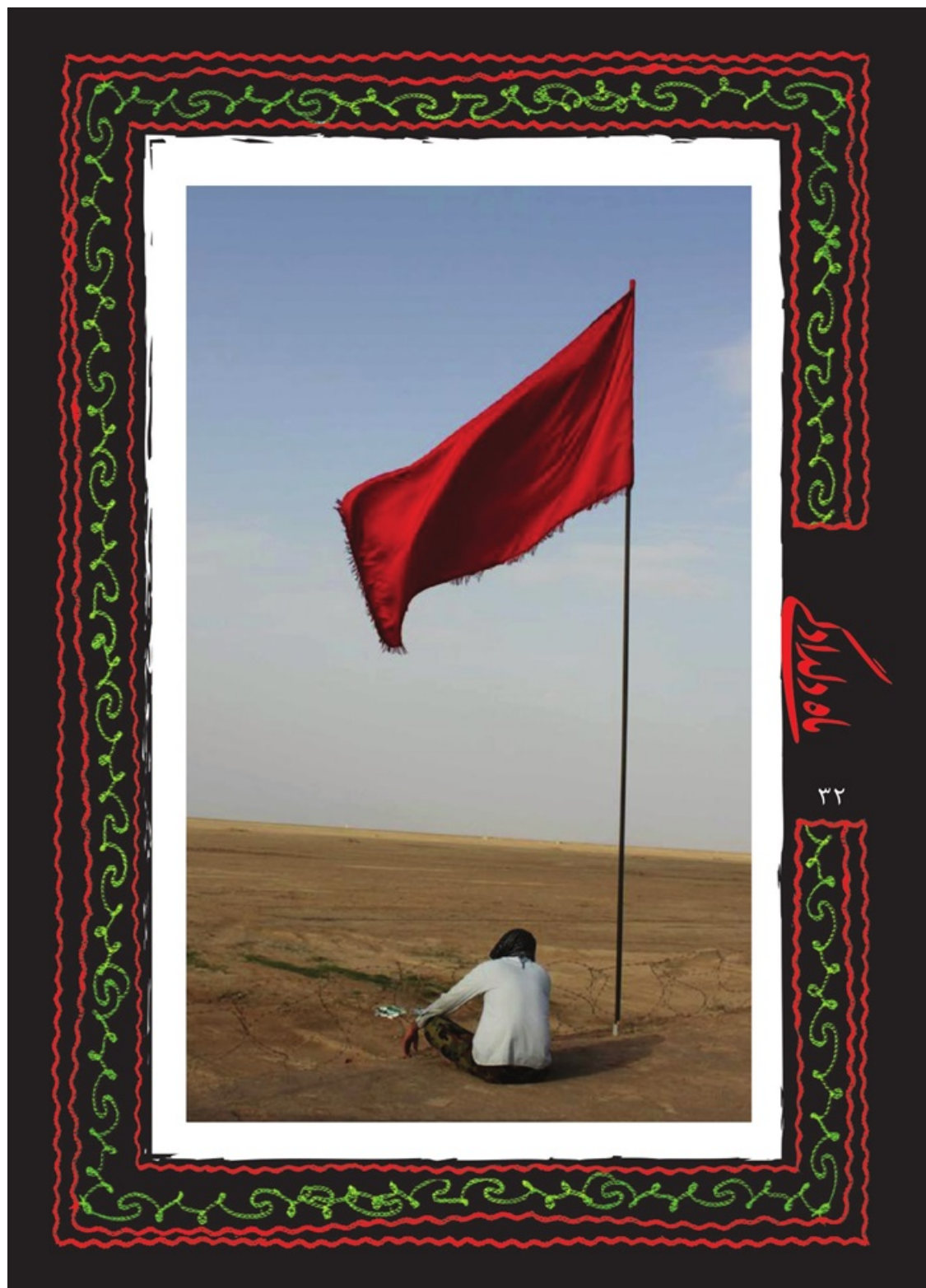
حرکت کند، به بیراهه نخواهد رفت. او دیگر در اسارت دنیا نیست؛ کلام امام که قرآن ناطق است همیشه راهگشای اوست.

آن که با معرفت، به عظمت امامش رسیده است، در صراط مستقیم قدم گذاشته است. این شناخت هم مانند بسیاری از وقایع تاریخی که اتفاق افتاده است، در همه دوره ها مصداق هایی دارد. مصداق بارز این شناخت از امام زمان، در کربلا و عاشورا رقم خورد. چه زیباست اشاره استاد صفائی حائری ÷ به حرف زنده دلی که گفته بود: «آن ها که در نینوا حسین را کشتند، همان هایی بودند که از يك لقمه نگذشتند؛ از يك چاي داغ نگذشتند؛ از اول و دوم نگذشتند تا آنجا که نتوانستند از گندم ري هم بگذرند تا آنجا که دستشان را هم با خون حسین شستند.»⁽¹⁾

امام حسین (علیه السلام) به قربانگاه کربلا رفت تا عشق حقیقی را در دل ها زنده کند. سیدالشهدا (علیه السلام) الگویی برای حرکت شیعه است تا ما در مسیر حرکت جامعه مان، همه عرصه ها را کربلا بدانیم و همه روزها را عاشورا بشماریم؛ پس خوبست که ما از محرم به عنوان فرصتی بی بدیل برای بهره وری بیشتر از چنین الگوهای استفاده کنیم.

ص: 31

1- . علی صفائی حائری، صراط، چ 6، قم: لیلۃ القدر، 1385، ص 93.



محرم؛ فرصت حرکت براساس الگوی

امام حسین(علیه السلام) الگوی کامل خداآوری و تکلیف محوری و غیرت دینی است. دههٔ محرم، فرصتی است تا براساس این الگوی ناب حرکت کنیم و خود را به قافلهٔ همیشه جاری کربلا و یاران مؤمن حسین(علیه السلام) برسانیم. محرم هر سال، شروعی برای حرکت به جلو و ارتقای بینش و شعور دینی است؛ بر این اساس، هر سال انتظار کامل ترشدن و حسینی ترشدن در همهٔ دستداران اباعبدالله(علیه السلام) وجود دارد.

تصویر



محرم؛ فرصت بصیرت افزایی

ممکن است در طول سال، بینش های متعددی را در سبد فکری خود جای دهیم؛ ولی همیشه این بینش ها به تحول و رفتارهای جدید نمی انجامد، بلکه نیازمند هیجانی برای حرکت اصلاحی مثبت است.

در روزهای محرم، از پیوند بصیرت و محبت و شور و شعور و بینش و رویش، تحولی تازه فرصت جان گرفتن می یابد و تمایل به بهتر شدن در کنار دانسته های جدید و قدیم، رخ می نماید.

محرم، حرمت دار ارزش هایی است که به آن باور داریم؛ ولی شاید فرصت ظهورش را نداشته ایم. اینک اسباب مهیاست و عرصه شناخت فراهم است؛ محرم سال 61 هجری را مرور کنیم و یادمان باشد که هرزمینی کربلاست و هرروزی عاشورا! پس خوب بنگریم: مردان عمل در میدان کارزار بین خوبی ها و بدی ها در ستیزند تا با چیرگی بر تاریکی ها، به روشنایی برسند. ما کدام راه را برمی گزینیم؟

امام حسین (علیه السلام) و مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

با مطالعه در احوال امام حسین (علیه السلام) و امام مهدی (علیه السلام)، به شباهت هایی دست می یابیم؛ چنان که می توان گفت قیام هر دو بزرگوار (علیهما السلام) سنت الهی است: امام حسین (علیه السلام) با نثار تمام هستی خود، در کنار یاران وفادارش اسلام محمدی را زنده کرد و حضرت مهدی (علیه السلام)

با قیام خود به خون خواهی جدش حسین (علیه السلام) می آید و خود را منتقم خون خدا معرفی می کند.

حضرت ولی عصر (علیه السلام) با قیام خود و تشکیل حکومت عدل جهانی، بر ستمگران جورپیشه چیره می شود. این همان بشارت تخلف ناپذیری است که در قرآن و سنت آمده است.

اگر به درک حقیقی واقعه عاشورا برسیم، خواهیم فهمید که چرا معصومان (علیهم السلام) پس از شهادت امام حسین (علیه السلام) به زنده ماندن یاد عاشورا تأکید کرده اند. می توان یکی از دلایل آن را در زیارات و ادعیه رسیده از امامان معصوم (علیهم السلام) جست و جو کنیم. اینکه ائمه اطهار (علیهم السلام) در بسیاری از دعاها حضرت مهدی (علیه السلام) را قائم آل محمد (علیهم السلام) یا منتقم خون امام حسین (علیه السلام) معرفی کرده اند، همه زمینه سازی برای حکومت جهانی مهدوی است.

در واقعه عاشورا عده ای که با قلبی مهر و موم شده، به دشمنی با خاندان پیامبر (صلی الله علیه و آله) برخاسته بودند، فجایعی را رقم زدند که تاکنون در هیچ واقعه تاریخی مانند آن اتفاق نیفتاده است. اینجاست که می توان گفت حرکت در سایه امامت راهگشاست و هر راهی غیر از راه معصومان (علیهم السلام) بیراهه است؛ چنان که در سخنی از امام سوم (علیه السلام) به یارانش چنین می خوانیم: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ اللَّهَ جَلَّ ذِكْرُهُ مَا خَلَقَ الْعِبَادَ إِلَّا لِيَعْرِفُوهُ فَإِذَا عَرَفُوهُ عَبْدُوهُ فَإِذَا عَبْدُوهُ اسْتَعْنَوْا بِعِبَادَتِهِ عَنْ عِبَادَةِ مَنْ سِوَاهُ؛ ای مردم، خداوند عز و جل بندگان را نیافرید، مگر

برای اینکه او را بشناسند و هنگامی که او را شناختند، عبادتش کنند و زمانی که او را عبادت کردند، از پرستش جز او بی نیاز می شوند.»
مردی عرض کرد: «يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ يَا بِي أَنْتَ وَ أُمِّي فَمَا مَعْرِفَةُ اللَّهِ؛ ای پسر رسول خدا، پدر و مادرم فدایت! معرفت و شناخت خدا چیست؟» سیدالشهدا (علیه السلام) فرمود: «مَعْرِفَةُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ أَمَامَهُمُ الَّذِي يَجِبُ عَلَيْهِمْ طَاعَتُهُ؛ شناخت، آن است که مردم هر روزگار، امام و پیشوایی را که اطاعتش بر آن ها واجب است، بشناسند.» (1)

شیخ صدوق ÷ پس از بیان این روایت در *علل الشرایع*، توضیح داده است که: «شناختِ اهل هر روزگار از امام زمانِ خودشان یعنی بدانند که خداوند هیچ زمانی را از وجود امام معصوم (علیه السلام) خالی نمی گذارد؛ زیرا اگر امامی نباشد، مردم از عبادت غیر خدا ایمن نمی مانند»؛ چون امام حافظ دین و عقاید مذهبی مردم است و اگر امام نبود، خرافه ها و بدعت ها در بین مردم رایج و انحراف و گمراهی فراگیر می شد.

امروزه نیز زمین از حجت الهی خالی نیست و اگرچه امام زمان ما در پس پرده غیبت به سر می برند، اما حفظ دین و عقاید مردم، برعهده علماست و طبق فرموده شخص ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ما موظف به پیروی از مراجع بزرگوار تقلید هستیم و درواقع این بزرگواران حجت بر مردم هستند و امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

ص: 36

1- . ابوجعفر محمدبن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق ÷) *علل الشرائع*، ج 1، ص 9.

در زمان هريك از ائمه (عليهم السلام) به دلايل مختلف، در حق امامت، اجحاف شده است كه عمده آن در اثر نبود معرفت و بصيرت به ايشان (عليهم السلام) در ميان مردم آن عصر بوده است؛ در صورتي كه اين بزرگواران (عليهم السلام) مي توانستند با داشتن ياراني همراه، در برابر حكومت جور زمانشان قيام كنند. اين فرصت قيام بنا به شرايط حاكم بر جامعه در آن زمان براي هيچ يك از امامان معصوم (عليهم السلام) تا به امروز اتفاق نيافته است؛ اما همه ايشان در سخنانشان اين بشارت و نويد را به مسلمانان داده اند كه قيام مهدي موعود (عجل الله تعالى فرجه الشريف) قطعي است و حكومت او تنها حكومتي است كه مي ماند و درختي كه هدف سلسله امامان معصوم (عليهم السلام) است و آن را با رنج و مشقت فراوان نشانده اند، در زمان حضرت مهدي (عليه السلام) به بار مي نشيند و ثمره اش كمال علم و معرفت در سايه حكومت سراسر عدل مهدي است. در روايتي كه مرحوم شيخ طوسي ÷ در مصباح المتعهد نقل کرده است، امام باقر (عليه السلام) به شيعيان فرموده اند كه در روز عاشورا اين گونه دعا كنند و به يكديگر تسليت بگويند: «أَعْظَمَ اللَّهُ أُجُورَنَا بِمُصَابِنَا بِالْحُسَيْنِ وَ جَعَلَنَا وَإِيَّاكُمْ مِنَ الطَّالِبِينَ بِثَأْرِهِ مَعَ وَلِيِّهِ الْإِمَامِ الْمَهْدِيِّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ (عليهم السلام)»؛⁽¹⁾

با اين مفهوم كه: «خدوند ثواب های عزادار بودن ما برای مصیبت های امام حسین (عليه السلام) را زیاد کرده و ما و شما را در خون خواهی سيدالشهدا (عليه السلام) در ركاب ولي خود، مهدي

ص: 37

1- . ابو جعفر محمد بن حسن طوسی، مصباح المتعهد، چ 1، ج 2، بيروت: مؤسسة فقه الشيعة، 1411ق، ص 772 و 773.

شیعه معتقد است که حکومت جهانی مهدوی از دل واقعه عاشورا برخاسته است؛ چراکه همان اهدافی که حسین بن علی(علیهما السلام) در عاشورا دنبال می کرد، حضرت ولی عصر(علیه السلام) نیز همان را در زمان حکومت جهانی اش دنبال می کند. قرار است حکومت مهدویت همان پیام هایی را داشته باشد که دیگر ائمه(علیهم السلام) نیز داشتند.

در زیارت ناحیه مقدسه، امام زمان(علیه السلام) مرثیه سرایی جان سوزی برای امام حسین(علیه السلام) کرده است و [بر آن اساس نیز] انتقام خون حسین(علیه السلام) با امام مهدی(علیه السلام) خواهد بود. در زمینه وضعیت عصر ظهور امام زمان(علیه السلام) در روایتی از امام حسین(علیه السلام) این طور آمده است که آن حضرت(علیه السلام) فرمودند: «آنچه انتظار دارید، تحقق نمی یابد؛ جز زمانی که انزجار و نفرت از یکدیگر در شما رواج یابد: گروهی علیه گروهی دیگر شهادت دهند و همدیگر را لعن و نفرین کنند.» روای پرسید: «چه چیزی در این زمان است؟» سیدالشهدا(علیه السلام) پاسخ فرمودند: «همه خیرها در این زمان است؛ زیرا مهدی خروج می کند و همه این زشتی ها را از میان برمی دارد.»⁽¹⁾

ص: 38

1- . محمدبن ابراهیم بن جعفر عکبری نعمانی، الغیبة، 205 و 206: «...الْخَيْرُ كُلُّهُ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ يَوْمٌ قَائِمًا وَيُدْفَعُ ذَلِكَ كُلُّهُ.»



عاشورا در نگاه بزرگان

عاشورا مدرسهٔ معرفت است و بزرگان ما در کلامشان به خوبی به این مهم اشاره کرده و گهرهای نابی برای ما و نسل آینده به یادگار گذاشته اند که در این مجال به اندکی از آن بسیار بسنده می کنیم؛ به این امید که تأمل در سخنان ایشان و عبرت از عاشورا، راهگشای ما در برابر هجمه های فرهنگی دشمنان اسلام باشد.

«محرم، ماه نهضت بزرگ سید شهیدان و سرور اولیای خداست که با قیام خود در مقابل طاغوت، تعلیم سازندگی و کوبندگی به بشر داد و راه فنای ظالم و شکستن ستمکار را در فدایی دادن و فدایی شدن دانست. (1) این محرم را زنده نگه دارید! ما هرچه داریم، از این محرم است و از این مجالس. مجالس تبلیغ ما هم از محرم است؛ این قتل سیدالشهداء و شهادت اوست. اگر این مجالس وعظ و خطابه و عزاداری و اجتماعات سوگواری نبود، کشور ما پیروز نمی شد. (2) هزار و چهارصد سال است که با این منبرها، با این روضه ها و با این مصیبت ها و با این سینه زنی ها اسلام را حفظ کرده اند. (3)»

مقام معظم رهبری (مدظله العالی): «امام حسین (علیه السلام)، از لحاظ عملی، درس بزرگی به همه تاریخ اسلام داد و در حقیقت، اسلام را، هم در زمان خودش و هم در هر زمان دیگری بیمه کرد. هر جا فساد از آن قبیل باشد، امام حسین (علیه السلام) در آنجا زنده است: با شیوه و عمل خود دارد می گوید که شما باید چه کار کنید، تکلیف این است؛ لذا باید یاد امام حسین (علیه السلام) و یاد کربلا زنده باشد؛ چون یاد کربلا این درس عملی را جلوی چشم می گذارد.» (4)

ص: 40

-
- 1- . صحیفه نور، ج 2، ص 11.
 - 2- . صحیفه نور، ج 17، ص 58.
 - 3- . صحیفه نور، ج 8، ص 69.
 - 4- . مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، امانت داران عاشورا، ص 49، تهران: قدر ولایت، 1379.

سلام بر تو، روزی که زاده شدی و روزی که می میری و روزی که زنده برانگیخته می شوی. (1)

سلام بر آزادمرد تاریخ، سلام بر خون خدا و فرزندِ خون او! سلام بر لبان خشکیده ات که در لحظه تنهایی ات زمزمه کردی: «الهی رضاً بقضائک تسليماً لا مرک لا معبود سواک یا غیاث المستغیثین.» (2)

سلام بر جسم پاره پاره ات که با آیه سوره فجر به پرواز در آمد: «ازجعی إلی ربک راضیه مَرْضِیَّةً * فَادْخُلِی فی عِبَادِی * وَادْخُلِی جَنَّتِی.» (3)

سلام بر حسین! سلام بر آموزگار مکتب خونین کربلا! سلام بر حسین (علیه السلام) که با سرخیِ خورش بر برگه های تاریخ، پیام آمدن عدالت گستر جهان را نوید داد.

و سلام بر منتقم خون خدا. مولای من! ما پیام سرخ قیام جدّتان حسین (علیه السلام) را به سبزیِ نگاه انتظارمان دوخته ایم و غریبانه نجوا می کنیم: «اللهم عجل لولیک الفرج والعافیة والنصر واجعلنا من خیر انصاره و اعوانه و المستشهدین بین یدیه.»

ص: 41

1- .مریم، 15.

2- . خدای من! به قضای تو راضی و در برابر فرمانت تسلیم هستم و معبودی جز تو نیست؛ ای فریادرس فریادخواهان.

3- . فجر، 28 تا 30: «به سوی پروردگارت بازگرد، در حالی که هم تو از او خشنودی و هم او از تو خشنود است * پس در سلک بندگانم در آی * و در بهشتم وارد شو!»

توضیحات شرکت در مسابقه فرهنگی ماه دلدادگی

* سؤال ها از متن موجود طرح شده است و افراد بالای دوازده سال می توانند در مسابقه شرکت کنند.* به چند روش می توانید در مسابقات فرهنگی شرکت کنید:

1. ارسال پاسخ به سامانه پیامکی 3000802222:

برای این کار، کافی است نام مسابقه، شماره گزینه های صحیح سؤال ها به صورت يك عدد پنج رقمی از چپ به راست و نام و نام خانوادگی خود را به ترتیب به سامانه پیامکی 3000802222 ارسال کنید.

مثال: ماه دلدادگی 22432 سیدرضا احمدزاد

2. مراجعه به بخش مسابقات پرتال جامع آستان قدس رضوی به نشانی: www.razavi.aqr.ir

3. پاسخ به سؤال ها در پاسخنامه:

پاسخنامه تکمیل شده را می توانید به صندوق های مخصوص مستقر در کیوسک های راهنمای زائر بیندازید یا به صندوق پستی 351 - 91735 ارسال کنید.

ص: 42

هزینه ارسال پاسخنامه از طریق قرارداد «پست جواب قبول» پرداخت شده است و نیازی به استفاده از پاکت و تمبر نیست.

* هر فرد فقط يك بار می تواند در مسابقه شرکت کند؛ پیامک ها و پاسخنامه های تکراری و ناقص حذف می شود.

* آخرین مهلت شرکت در مسابقه، پنجشنبه 7 آبان 94 است.

* قرعه کشی از بین پاسخ های صحیح و به صورت روزانه انجام می شود و نتیجه آن از طریق سامانه پیامکی گفته شده، به برندگان اطلاع داده می شود.

این متن حاوی آیات قرآن و اسماء متبرکه است؛ شایسته است در حفظ حرمت آن کوشا باشیم. تذکر: پیشنهادها و انتقادات و سایر مطالب خود را در پیامک جداگانه ای ارسال کنید.

تلفن: 051 - 32002569

ص: 43

سؤال ها

سؤال اول. کدام خصیصه مشترك و مهم در شهدای والامقام کربلا و خاندان امام حسین (علیه السلام)، بیش از سایر ویژگی ها نقش آفرین بوده است؟

1. شناخت و معرفت امام خویش و اطاعت از امر ایشان

2. شجاعت در مقابله با دشمنان در موقعیت های دشوار

3. قدرت تصمیم گیری مستقل در وضعیت های بحرانی

4. آگاهی از انواع رموز جنگی و آمادگی جهاد

سؤال دوم. نطفه واقعه عظیم عاشورا از کدام زمان بسته شد؟

1. از جنگ احد

2. پس از صلح امام حسن (علیه السلام)

3. از زمان سقیفه

4. از غدیر خم

سؤال سوم. کدام گزینه، لازمه حرکت در صراط مستقیم و گذر از شبهات در هر عصر و زمان است؟

ص: 44

الف. فقط شناختِ خود

ب. شناخت وظایف اجتماعی

ج. شناخت امام هر زمان

د. شناخت جامعه

سؤال چهارم. بر اساس فرمایش امام صادق (علیه السلام) کدام دو ویژگی در شخصیت حضرت عباس (علیه السلام) سبب آن شد که ایشان از امتحان الهی سربلند بیرون بیایند؟

1. بصیرت سیاسی و ادب ذاتی

2. بصیرت نافذ و شجاعت

3. شجاعت و ایمان استوار

4. بصیرت نافذ و ایمان محکم

سؤال پنجم. دلیل تأکید معصومان (علیهم السلام) به زنده ماندن واقعه عاشورا چیست؟

1. یادآوری مصائب امام حسین (علیه السلام)

2. سلب آرامش از حاکمان جور

3. زمینه سازی برای حکومت جهانی مهدوی

4. به دست آوردن پاداش دنیوی و اخروی

ص: 45

فرم نظر سنجی مسابقه فرهنگی «ماه دلدادگی»

زائر و مجاور گرامی

این پرسشنامه برای بهره‌مندی از نظرهای ارزشمند شما به منظور ارتقاء خدمات فرهنگی تهیه شده است. لطفاً خادمان خود را در تحقق این امر یاری کرده و پرسشنامه تکمیل شده را به دفاتر راهنمای زائر تحویل دهید.

مشخصات فردی:

سن: جنسیت: تحصیلات:

شهر: شغل:

ردیف	موضوع	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد
۱	میزان رضایت از جذابیت ظاهری (طرح جلد، اندازه و...)					
۲	میزان شیوایی مطالب					
۳	قابلیت فهم مطالب					
۴	میزان جذابیت و تازگی موضوع و مطالب					
۵	میزان تأثیرگذاری و مفید بودن مطالب					
۶	میزان تناسب محتوا با نیاز شما					
۷	میزان تناسب سؤالات با موضوع					
۸	میزان رضایت کلی					
<p>نظرها، پیشنهادات و انتقادات: -----</p> <p>-----</p> <p>-----</p>						

مشخصات

نام و نام خانوادگی:

نام پدر: تحصیلات:

استان: شهر:

تلفن ثابت با کد شهر:

شماره همراه:

پاسخ نامه مسابقه فرهنگی «ماه دلدادگی»

گزینه	۱	۲	۳	۴	سؤال
					سؤال اول
					سؤال دوم
					سؤال سوم
					سؤال چهارم
					سؤال پنجم

لیه کاغذ را پس از برش تا زده و بچسبانید

پست جواب قبول



فرستنده:

.....

.....

کدپستی:

از این قسمت تا شود

هزینه پستی بر اساس قرارداد شماره ۲۵۱ - ۹۱۷۳۴ پرداخت شده است.

طرف قرارداد: اداره تولیدات فرهنگی آستان قدس رضوی

صندوق پستی: ۳۵۱ - ۹۱۷۳۵

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتاب خانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارك امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آبادی - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

